تفکّر فرمائید که سبب چه بوده که در ازمنهٔ ظهور مظاهر رحمن اهل امکان دوری میجستند و بر اعراض و اعتراض قیام مینمودند اگر ناس در این فقره که از قلم امر جاری شده تفکّر نمایند جمیع بشریعهٴ باقیهٴ الهیّه بشتابند و شهادت دهند بر آنچه او شهادت داده ولکن حجبات اوهام انام را در ایّام ظهور مظاهر احدیّه و مطالع عزّ صمدانیّه منع نموده و مینماید چه که در آن ایّام حقّ بآنچه خود اراده فرموده ظاهر میشود نه بارادهٴ ناس چنانچه فرموده: ﴿أَفَکُلَّمَا جَآءَکُم رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَی أَنْفُسُکُم اسْتَکْبَرْتُم فَفَرِیْقًا کَذَّبْتُم وَفَرِیْقًا تَقْتُلُون﴾[[1]](#footnote-2) البتّه اگر باوهام ناس در ازمنهٔ خالیه و اعصار ماضیه ظاهر میشدند احدی آن نفوس مقدّسه را انکار نمینمود مع آنکه کلّ در لیالی و ایّام بذکر حقّ مشغول بودند و در معابد بعبادت قائم مع ‌ذلک از مطالع آیات ربّانیّه و مظاهر بیّنات رحمانیّه بی‌نصیب بودند چنانچه در کتب مسطور است و آن جناب بر بعضی مطّلعند مثلاً در ظهور مسیح جمیع علمای عصر مع آنکه منتظر ظهور بودند اعراض نمودند و حَنَّان[[2]](#footnote-3) که اعلم علمای عصر بود و هم‌چنین قَیَافَا[[3]](#footnote-4) که اقضی القضاة بود حکم بر کفر نمودند و فتوای قتل دادند و هم‌چنین در ظهور رسول روح ما سواه فداه علمای مکّه و مدینه در سنین اوّلیّه بر اعراض و اعتراض قیام نمودند و نفوسی که ابدًا اهل علم نبودند بایمان فائز شدند قدری تفکّر فرمائید بلال حبشی[[4]](#footnote-5) که کلمه‌ئی از علم نخوانده بود بسماء ایمان و ایقان ارتقا نمود و عبدالله أُبَيّ[[5]](#footnote-6) که از علما بود بنفاق برخاست راعی غنم بنفحات آیات بمقرّ دوست پی‌برد و بمالک امم پیوست و صاحبان علوم و حکم ممنوع و محروم اینست که میفرماید: "حتّی یصیر أعلاکم أسفلکم وأسفلکم أعلاکم"[[6]](#footnote-7) و مضمون این فقره در اکثر کتب الهیّه و بیانات انبیا و اصفیا بوده براستی میگویم امر بشأنی عظیم است که پدر از پسر و پسر از پدر فرار مینماید در حضرت نوح و کنعان مشاهده کنید انشآءالله باید در این ایّام روحانی از نسایم سبحانی و فیوضات ربیع رحمانی محروم نمانید باسم معلوم منقطعًا عن العلوم برخیزید و ندا فرمائید قسم بآفتاب افق امر در آن حین فرات علوم الهیّه را از قلب جاری مشاهده نمائید و انوار حکمت ربّانیّه را بی‌پرده بیابید اگر حلاوت بیان رحمن را بیابی از جان بگذری و در سبیل دوست انفاق نمائی این بسی واضح است که این عبد خیالی نداشته و ندارد چه که امرش از شئونات ظاهره خارج است چنانچه در سجن اعظم غریب و مظلوم افتاده و از دست اعدا خلاصی نیافته و نخواهد یافت لذا آنچه میگوید لوجه الله بوده که شاید ناس از حجبات نفس و هوی پاک شوند و بعرفان حقّ که اعلی المقام است فائز گردند لا یضرّنی إعراضهم و لا ینفعنی إقبالهم إنّما ندعوهم لوجه الله إنّه لغنیّ عن العالمین

1. قرآن مجيد، سوره بقره (2)، آيه 87 [↑](#footnote-ref-2)
2. حَنَّان، رئيس كهنه أورشليم در زمانه عيسى عليه السلام [↑](#footnote-ref-3)
3. قيافا، كاهن اعظم يهودى در زمانه عيسى عليه السلام [↑](#footnote-ref-4)
4. بلال بن رباح معروف به بلال حبشى، مؤمنين أوائل در اسلام [↑](#footnote-ref-5)
5. عبدالله أُبيّ بن سلوم، من قادة الخزرج في يثرب، عادى الدين الاسلامي [↑](#footnote-ref-6)
6. راجع إنجيل متّى، الاصحاح الثالث والعشرون، الآية 11-12، "وَأَكْبَرُكُم يَكُونُ خَادِمًا لَكُم \* فَمَنْ يَرْفَعْ نَفْسَهُ يَتَّضِعْ وَمَنْ يَضَعْ نَفْسَهُ يَرْتَفِعْ". أيضًا راجع خطبة لأمير المؤمنين (عليه السلام)، "...وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبَلْبَلُنَّ بَلْبَلَةً وَلَتُغَرْبَلُنَّ غَرْبَلَةً وَلَتُسَاطُنَّ سَوْطَةَ الْقِدْرِ حَتَّى يَعُودَ أَسْفَلُكُمْ أَعْلَاكُمْ وَأَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ وَلَيَسْبِقَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا قَصَّرُوا وَلَيُقَصِّرَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا سَبَقُوا..."، كتاب الغيبة، محمد بن إبراهيم النعماني، باب 12، الصفحة 209 [↑](#footnote-ref-7)